

علل ضعف دانش آموزان در درس ادبیات فارسی (مطالعه موردی)

مرتضی قمبری^۱

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی علل ضعف دانش آموزان در درس ادبیات فارسی پایه هفتم شهرستان یزد می‌پردازد. بدین منظور جامعه آماری در هفت مدرسه این شهرستان شامل: مدیران (۱۰ نفر)، معلمان پایه هفتم (۸ نفر) و هم چنین ۵۰ نفر از اولیای دانش آموزان مقطع هفتم می‌باشد که به صورت روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از پرسشنامه ۳۲ گویه محقق ساخته استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده پژوهش درصد فراوانی و روش امتیاز دهی به گویه‌های پرسشنامه است. پس از محاسبه امتیازات، مواردی که امتیاز بالای ۱۹۰ را کسب کردند، به عنوان موثرترین عوامل ضعف دانش آموزان در نظر گرفته شدند که به ترتیب عبارتند از: عدم تسلط بعضی از آموزگاران پایه هفتم در تفهیم و تسهیل درس ادبیات فارسی (۲۲۹)، کیفی بودن نمرات در دوره ابتدایی و کمی شدن آن در کلاس هفتم (۲۲۲)، کم توجهی به ادبیات فارسی در رسانه ملی (۲۱۶)، تخصصی نبودن آموزگاران در دوره ابتدایی (۲۰۶)، عدم رغبت دانش آموزان به درس ادبیات فارسی به علت ندانستن چگونگی روش خواندن (۲۰۳)، عدم اهمیت به درس ادبیات فارسی در جامعه (۲۰۰)، عدم وجود مشاور تحصیلی در مدارس (۱۹۵)، عدم آگاهی اولیا از اهمیت درس ادبیات در زندگی (۱۹۴) و عدم توجه اولیاء به درس ادبیات فارسی (۱۹۱).

کلیدواژه‌ها:

ادبیات فارسی، ضعف دانش آموزان، پایه هفتم، عادات مطالعه، پیشرفت تحصیلی.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

(mortezaghambari56@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

ادبیات هر کشور را می‌توان هویت آن کشور دانست. تسلط کامل بر زبان و ادبیات فارسی مقدمه ورود برای شناخت فرهنگ، عرفان و میراث فکری گذشته است. اهمیت ادبیات فارسی قولی است که همگی برآند و اهدافی که برای درس ادبیات برشمرده‌اند نیز گویای همین مطلب است (تاکی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱) و بدیهی است که به آموزش ادبیات به دانش‌آموزان باید توجه بیشتری کرد زیرا «ادبیات مجموعه تظاهرات هنری هر قوم است که در قالب کلام ریخته شده باشد» (ثروت، ۱۳۷۵: ۴).

در نظام آموزش و پرورش همواره تهیه کتاب‌های درسی بیشترین اهمیت را داشته و نوع نگاه برنامه ریزان و اهداف مورد نظر، در آثار عرضه شده به آموزگاران و دانش‌آموزان متبلور می‌شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب‌های درسی در هر موضوع پیوستگی و هدفمندی آنهاست و قطعاً برنامه‌ریزان به این موضوع توجه دارند. کتاب‌های درسی فارسی و متون در این زمینه حساسیت و اهمیت بیشتری دارند (امین و همکاران، ۱۳۸۷: ۲).

هم زمان با نهادینه شدن نقش و اهمیت تعلیم و تربیت در توسعه جوامع و بالندگی نسل جوان و نوجوان، تلاش‌های بسیاری برای قانونمندکردن این فرایند خطیر آغاز شد و تعلیم و تربیت به انشعابات متعددی تقسیم گردید. در این میان برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش مورد توجه بیش از پیش قرار گرفت و بدین ترتیب برنامه ریزی درسی به یکی از حوزه‌های تخصصی و در عین حال بحث‌انگیز تعلیم و تربیت مبدل گردید (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۷: ۹). در طول تاریخ برنامه درسی، تلاش‌های زیادی از سوی صاحب نظران این رشته صورت گرفته که موجب غنای هر چه بیشتر آن گردیده است (مهر محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳۴).

جامعه امروزی در روند حرکت خود، در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه آموزش و پرورش با مسائل متعددی روبرو می‌گردد. نهاد آموزش و پرورش نهادی است که پایه‌های ضعیف و قوت یک جامعه را پی ریزی می‌نماید. آنچه در نظر صاحب نظران تعلیم و تربیت، تا زمان حاضر مورد قبول واقع شده، این نکته است که آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری دراز مدتی است که

با سایر نهادهای اجتماعی جامعه ارتباط متقابل دارد. از جمله مسائلی که آموزش و پرورش با آن روبرو است، ضعف بیشتر دانش آموزان یک مقطع تحصیلی در یک یا چند درس آن مقطع و یا افت تحصیلی در مقطعی خاص، کاهش انگیزه یا علاقه به تحصیل در دانش آموزان است. که نتیجه آن به هدر رفتن منابع مالی و انسانی است که در زمینه تعلیم و تربیت به کار گرفته شده است.

علت‌های متفاوتی سبب بروز افت تحصیلی در دانش آموزان می‌شود که می‌توان مواردی مانند: عدم آگاهی اولیاء از میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان، عدم توجه کافی مسئولان اجرایی مدرسه، عدم ایجاد انگیزه در دانش آموزان، تخصصی نبودن آموزگاران، وجود گویشهای مختلف در مدارس، آشنا نبودن معلمان به روشهای نوین، کیفی بودن نمرات در دوره ابتدایی و کمی شدن آن در کلاس ششم و ... را نام برد. لذا انجام پژوهش‌هایی در این زمینه برای بررسی علل ضعف دانش آموزان در بعضی دروس و تلاش برای شناسایی روش‌های رفع آن‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. مشکل کودکان فهم مطالب آموختنی نیست، بلکه درک دروسی است که به آنها تدریس می‌شود. علت اکثر شکست‌های تحصیلی نیز در همین نکته نهفته است. در نتیجه هر نوع بازسازی آموزش باید از آگاه ساختن معلمان که مسئولیت این آموزش را بر عهده دارند و همچنین انتشار کتب مناسب آغاز شود.

پیشینه تحقیق

درباره علل ضعف تحصیلی در مواد درسی مختلف و پایه‌های متفاوت تاکنون پژوهش‌هایی انجام یا مطالبی نگارش شده است. فرزاد (۱۳۷۵: ۲۰) در مقاله خود مواردی مانند نبود انگیزه کافی و ذوق ادبی در بعضی از معلمان، دیدگاه منفی مسئولان مدرسه نسبت به درس ادبیات، سرکوب شدن ذوق و استعداد ادبی دانش آموزان در خانه و مدرسه و آشنا نبودن معلمان به روش‌های نوین و فعال تدریس را از جمله عوامل بی‌علاقگی به درس ادبیات بیان کرده است.

سنگری (۱۳۸۰: ۳) نیز در مقاله خود عواملی مانند آموزش ناکارآمد و کسالت بار ادبیات در مقاطع ابتدایی و راهنمایی و ضعف تألیف کتاب‌های درسی ادبیات بر اساس هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده را از جمله عوامل بی‌علاقه بودن دانش آموزان نسبت به درس ادبیات بیان می‌کند.

پژوهشی با عنوان تأثیر فناوری اطلاعات بر نظام آموزشی مدارس توسط بیرانوند و همکارانش (۱۳۸۹: ۱۸۳) انجام شده است. ایشان بیان کرده‌اند که تنها راه رسیدن به دانش آموز محوری و استفاده از استعداد بالقوه دانش آموزان در امر پژوهش، استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در فرایندهای آموزشی است.

عطاران (۱۳۸۱) نیز بیان می‌دارد که فناوری آموزشی توانایی بالقوه‌ای در بهبود فرایند یاددهی / یادگیری دارد که می‌توان از آن جمله به مواردی مانند: انفرادی کردن آموزش، بهبود کیفیت آموزش، مقابله با مشکلات آموزش جمعی، فراهم ساختن آموزش مستمر، تقویت نقش معلم اشاره کرد (عطاران، ۱۳۸۱: ۴۲).

یافته‌های خوشرو (۱۳۷۵) در بررسی تأثیر دو زبانه بودن بر پیشرفت تحصیلی و هوش دانش آموزان دوره ابتدایی حاکی از آن است که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دو زبانه در درس املا، فارسی و علوم از دانش آموزان یک زبانه کم‌تر است ولی پیشرفت تحصیلی هر دو گروه در درس ریاضی تفاوت معنی داری ندارد.

هاشمی نسب (۱۳۷۱: ۳) دلایل ضعف دانش آموزان در درس ادبیات را تلقی منفی خانواده‌ها از درس ادبیات، توجه به محفوظات در آزمونهای درس ادبیات، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به ادبیات در رسانه ملی تلویزیون، بی‌ارتباط بودن بعضی از درسهای ادبیات با زندگی، سیطره کنکور بر نظام آموزشی معرفی کرده‌اند.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی براساس مبانی نظریه‌های ادبی و روان شناسی و علوم تربیتی انجام می‌پذیرد که گاه با نظریات جدید آموزش و پرورش تلفیق می‌شود.

اهداف تحقیق

طبعاً هر تحقیقی باید در بهبود موضوع خود و رفع مشکلات یا شناسایی عوامل آسیب زا در زمینه مطالعه مؤثر و مفید باشد. بنابراین پژوهش حاضر برای اهداف زیر انجام شده است:

- بهبود بخشیدن و علاقه‌مند ساختن دانش آموزان به درس ادبیات.
- از بین بردن اضطراب دانش آموزان نسبت به درس ادبیات.
- جذاب و شیرین کردن درس ادبیات برای دانش آموزان.
- عوامل موثر بر یادگیری دانش آموزان

الف) کارآمدی معلم

اصطلاح «کارآمدی معلم»، به عنوان باور معلم نسبت به توانایی‌اش در تاثیر گذاشتن مثبت بر یادگیری دانش آموز، باورهای معلمان درباره مهارت‌ها و توانایی‌هایشان در دستیابی به نتایج مطلوب یادگیری توسط دانش آموزان یا قضاوت معلم درباره توانایی‌ها و قابلیت‌هایش در رسیدن به نتایج مطلوب در یادگیری و فعالیت دانش آموز، حتی در مورد دانش آموزانی که مشکل دار یا بی‌انگیزه هستند، تعریف شده است. تعداد روز افزونی از فرهیختگان در حوزه آموزش و پرورش، احساس کارآمدی ادراک شده توسط معلم را متغیری قدرتمند و زیر بنایی در اثر بخشی تدریس و یادگیری معرفی کرده‌اند.

معلم کارآمد باید به طور مستقیم رفتار دانش آموزان را تحت تاثیر قرار دهد. زمانی که دانش آموز بداند که مورد اعتماد معلم و مربی است، انگیزه بیشتری برای انجام کارهای خود پیدا می‌کند. به عنوان معلم محیطی را ایجاد کنید که دانش آموزان نسبت به شما و رفتارهای شما نگران نباشند، انجام مسائل مختلف را به شما واگذار کنند و سعی در حل مشکلات خود داشته باشند.

در آخر درباره اهمیت کارآمدی معلم می‌توان گفت که این ویژگی با یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و انگیزش و نگرش آن‌ها به دو موضوع درسی رابطه مثبت دارد. معلمان با کارآمدی زیاد، قادرند بر انگیزه دانش آموزان در خصوص یادگیری تاثیر گذارند و در نتیجه کارآمدی تحصیلی دانش آموزان را هم افزایش دهند. هم چنین کارآمدی معلم با رفتار او در جنبه‌های گوناگون همبستگی دارد. معلمان با کارآمدی زیاد، اولاً انتظارات زیادی از دانش آموزانشان دارند. آن‌ها احتمالاً برای دانش آموزانی که پیشرفت می‌کنند، هدف‌های بیشتری در نظر می‌گیرند. ثانیاً در مدیریت کلاس تبحر بیشتری دارند. سطوح وسیعتری از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی را به نمایش می‌گذارند، فعالیت‌ها را بر اساس رویکرد تدریس سازگار می‌کنند و استقلال و آزادی عمل یادگیرنده را

افزایش می‌دهند. هم چنین در مواجهه با خطاهای دانش آموزان، کمتر انتقادی برخورد می‌کنند. ثالثاً، تعهد حرفه‌ای بیشتری از خود نشان می‌دهند. آنها آکنده از شور و شوق و مشتاق تدریس هستند. هنگام مواجهه با شکست دانش آموز و مشکلات تدریس، استقامت و تحمل بیشتری نشان می‌دهند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۷: ۴-۳).

انگیزش

انگیزش، از نظر لغوی اسم مصدر و به معنی ترغیب، انگیزیدن و انگیزختن است. ولی از دیدگاه صاحب‌نظران عبارت است از حالت‌های درونی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار او به سوی هدفی خاص می‌شود. انگیزش، معمولاً بر اثر دخالت يك انگیزه در انسان ایجاد می‌شود. انگیزه، اصطلاحی است که با انگیزش مترادف است و بعضی این دو را یکی می‌دانند. تعریف انگیزه عبارت است از عامل درونی به وجود آورنده انگیزش. انگیزه نیز در لغت به معنی آن چیزی است که کسی را به کاری برانگیزد. انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند. با این حال، می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست. به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار، اما انگیزه را علت اختصاصی يك رفتار خاص به حساب آورد.

پدیده انگیزش، غالباً به علل رفتار و تعبیر و تفسیر انسان از رفتارهای گوناگون توجه دارد. روان‌شناسان معتقدند، مسائل اساسی که در روان‌شناسی انگیزش مطرح می‌شود، عبارتند از اینکه: چرا رفتار خاصی پدید می‌آید؟ چرا رفتار هدفدار است؟ چرا رفتار معینی برای مدت زمانی طولانی ادامه می‌یابد؟ (رضضانی، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۱۹)

انگیزش، دلایل رفتار افراد را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که چرا آنها به روشی خاص رفتار می‌کنند. رفتار دارای انگیزه، رفتاری همراه با انرژی، جهت‌دار و دنباله‌دار است (ساتراک، ۱۳۸۵: ۵۸۰).

اصطلاح انگیزش را می‌توان به عنوان عامل نیرو دهنده، هدایت‌کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد. از لحاظ پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. از اینرو، تمام برنامه‌های درسی که برای آنها فعالیت‌های حوزه عاطفی در نظر گرفته شده است، دارای هدف‌های انگیزشی هستند. به عنوان

وسيله، انگيزش مانند آمادگي ذهني يا رفتارهاي ورودی يك پيش‌نياز يادگيري به حساب مي‌آيد و تأثير آن بر يادگيري كاملاً آشكار است (سيف، ۱۳۸۵: ۳۴۸). مي‌توان گفت انگيزش موجب ايجاد انرژی و جهت دادن به رفتار مي‌شود كه سبب مي‌شود توجه افراد حفظ شود و تداوم يابد. از آنجا كه رفتار آدمي داراي هدف است، پس انگيزش تعيين‌كننده تقويت‌ها و توجه‌كننده جهت‌گيري‌هاست.

انگيزش را مي‌توان به عنوان يك فرآيند مداخله‌كننده يا حالت دروني جاندار دانست كه او را وادار يا ترغيب به عمل مي‌كند (ريبر ۱۹۹۵ به نقل از كرمي، ۱۳۸۲). به نظر شانگ (۱۹۹۰) انگيزش فرآيندي است كه رفتار هدف‌گرا از طريق آن راه‌اندازي و نگهداري مي‌شود (واينر، ۱۹۹۰). «انگيزش غالباً از يادگيري استنباط مي‌شود و معمولاً براي روان‌شناسي پرورشي، يادگيري نشانه انگيزش است».

موسوي شوشتری و همكاران (۱۳۷۰) در تحقيقي با عنوان (بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی- اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی مدارس اهواز) نشان دادند كه بين جو عاطفی خانواده و معدل دانش‌آموز رابطه مثبت معناداري وجود دارد. در اين تحقيق همبستگی میان تشويق و معدل ($r=0.29$) بوده است.

نرمانی (۱۳۷۲) به همبستگی بالایی بين نگرش معلمان نسبت به دانش‌آموزان و درصد قبولی آن‌ها در كلاس اشاره مي‌كند. هم‌چنين معلماني كه نگرش مثبتی نسبت به دانش‌آموزان داشته‌اند از محبوبیت افزون‌تری نیز برخوردار بوده‌اند. در تحقيق شكرشكن (۱۳۷۴) با عنوان تأثير الگوی تحصیلی دانش‌آموزان كلاس چهارم دزفول اين نتیجه كه «الگوی فعال تحصیلی موجب افزایش عملکرد تحصیلی مي‌شود» به دست آمده است.

در تحقيقي باعنوان بررسی دلایل کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان‌های استان تهران، (مرادی ۱۳۸۰) اين نتیجه حاصل شد كه بين خود‌پنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه معناداري وجود دارد. بين عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداري وجود دارد. بين اضطراب و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداري وجود ندارد. فلمگان (۱۹۷۰)، در مورد ۲۵ درصد از

باهوش‌ترین ولی فقیرترین کودکان، تحقیقی انجام داده که تحقیق آن نشان می‌دهد بسیاری از دانش‌آموزان با استعداد که از نظر اقتصادی موقعیت بدی دارند، برنامه تحصیلی خود را به پایان نمی‌برند.

در پژوهش‌های مختلف تلاش‌هایی برای شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه‌های تحصیلی صورت گرفته است (گودرزی، ۱۳۹۴ دفتر تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، رشد مشاور مدرسه: ۱۷).

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف مستلزم داشتن انگیزه‌های قوی و نیرومند است؛ انگیزه‌هایی که بتواند تحرک و پویایی لازم را برای فعالیت‌های فردی و گروهی دانش‌آموزان برانگیزد. در وهله اول به نظر می‌رسد که انگیزه تحصیلی یک امر فردی است و هر دانش‌آموزی با توجه به شخصیت خود و تمایلات و خصوصیاتش، دارای برخی انگیزه‌هاست؛ در حالی که واقعیت این است که انگیزه تحصیلی تنها یک مسئله فردی نیست که صرفاً از بعد روان‌شناختی قابل مطالعه باشد، بلکه این پدیده دارای بعد اجتماعی است. محیط، اطرافیان، پدر و مادر، معلم و سایر افراد و گروه‌هایی که دانش‌آموز با آن‌ها به نحوی برخورد دارد، در ایجاد، پرورش و تحکیم انگیزه‌های تحصیلی وی مؤثرند. این اثر پذیرش دانش‌آموز از افراد و موقعیت‌های مختلفی که او را احاطه کرده‌اند، ناشی می‌شود (همان).

عوامل مؤثر بر انگیزه‌های تحصیلی

محیط، عوامل و شرایط موجود در آن، به عنوان محرک اساسی، در انگیزه‌های تحصیلی نقش دارند. از طرف دیگر، شخصیت دانش‌آموز، خلیات، منش و روحیات فردی هم در این امر مؤثر است. شخصیت فردی نیز در داخل جامعه و تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی شکل گرفته، پرورش و تکوین می‌یابد. برای فهمیدن اینکه انگیزه‌های تحصیلی چگونه و تحت چه شرایطی به وجود می‌آید. باید فضای زندگی دانش‌آموز و عوامل مهم مؤثر در آن را مطالعه کنیم. عوامل مختلفی می‌توانند فضای زندگی را تحت تأثیر قرار دهند که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

الف) خانواده

محیط خانواده از نظر بعد خانوار، سطح تحصیلات پدر و مادر، روحیات و اخلاق پدر و مادر، رفتار و برخورد برادران و خواهران در انگیزه تحصیلی دانش‌آموز موثر است. خانواده اولین کانونی است که عهده‌دار پرورش و شکوفایی شخصیت افراد است. انگیزه تحصیلی به عنوان یک متغیر تحت تاثیر این کانون قرار دارد. دانش‌آموزی که در خانواده‌ای بی‌سواد یا کم‌سواد بزرگ می‌شود، از لحاظ انگیزه تحصیلی طبیعتاً با دانش‌آموزی که در خانواده‌ای با تحصیلات عالی تربیت می‌شود، متفاوت خواهد بود. صرف‌نظر از شرایط مختلفی که از لحاظ آموزشی، اقتصادی و فرهنگی در خانواده وجود دارد، نکته مهمی که باید به آن اشاره شود، همخوانی بین انتظارات پدر و مادر و توانایی‌هایی است که در فرزند خود سراغ دارند. برای ایجاد این همخوانی لازم است که حداقل دو نکته زیر مورد توجه والدین قرار گیرد:

۱) داشتن درکی روشن و عمیق از توانایی‌های فرزندان خود در زمینه‌های گوناگون شامل جنبه‌های فیزیکی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و اخلاقی.

۲) استنباط و روشن بینی والدین نسبت به تمایلات و علایق آنها (شرفی، ۱۳۷۲: ۵۹).

والدین اگر خواهان این هستند که فرزندی سالم و متعادل برای جامعه تربیت نمایند، باید به توانایی‌های مختلف وی توجه نموده و براساس آن انگیزه‌هایی متناسب در آنان ایجاد کنند. با اینکه انگیزه تحصیلی قوی موجب پیشرفت درسی می‌شود ولی سرکوب شدن انگیزه‌ها به دلیل عدم توانایی ذهنی و عقلی می‌تواند عوارض روحی و روانی به دنبال داشته باشد. والدینی که بدون در نظر گرفتن استعداد، علاقه و بهره‌هوشی فرزندشان فقط از وی انتظار دارند به هر طریقی که شده، پزشک یا مهندس تربیت شود، در واقع نسبت به فرزند خود بی‌عدالتی روا می‌دارند. در چنین حالتی نه تنها او نمی‌تواند به این پایگاه نائل شود، بلکه چه بسا که در اثر فشارهای مختلف محیطی، به برخی حالت‌های نامتعادل روحی مبتلا گردد.

ب) مدرسه

مدرسه بعد از خانواده دومین نهادی است که بسیاری از رفتارهای دانش‌آموزان در آنجا شکل می‌گیرد. نهاد مدرسه فرایندی است که در آن تجارب آموزشی،

نگرشها و موفقیت‌ها یا شکست‌ها جامه عمل به خود می‌پوشد (مکلند، ۱۹۸۶). به نقل از گودرزی، رضا، انگیزش تحصیلی، فصل نامه رشد مشاور مدرسه، زمستان ۱۳۹۴). شرایط آموزشی موجود در مدرسه، رفتار مدیر و معلمان و نحوه یادگیری و آموزش، همه به عنوان عواملی هستند که می‌توانند در انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموزان نقش داشته باشند. دانش‌آموز علاوه بر اینکه در مدرسه به آموزش مسائل و موضوعات علمی می‌پردازد، اثرات تربیتی نیز از آن دریافت می‌کند. دانش‌آموز ممکن است رفتار و حرکات و یا طرز فکر و بینش معلم را به عنوان الگویی آرمانی برای خود انتخاب نماید. در این صورت شدیداً تحت تاثیر وی قرار خواهد گرفت. معلم می‌تواند انگیزه‌هایی را در دانش‌آموزان به وجود آورد و یا انگیزه‌هایی را در آنان از بین ببرد. از آنجا که رفتار و شخصیت معلم را هم باید در چارچوب فضای زندگی وی در نظر گرفت، به همین جهت تاثیر معلم روی دانش‌آموزان در رابطه با عوامل محیطی و اجتماعی قرار می‌گیرد. معلمی که نتواند در جامعه پایگاه اجتماعی مناسب را به دست آورد و گرفتار انواع مشکلات زندگی باشد، نخواهد توانست در ایفای رسالت واقعی خود موفق شود. چه بسا که رفتار چنین معلمی موجبات یاس و ناامیدی و دلسردی را در دانش‌آموزان به وجود آورد.

ج) رسانه‌های گروهی

وسایل ارتباط جمعی اعم از رادیو، تلویزیون سینما، روزنامه‌ها و نشریات یکی دیگر از منابعی است که می‌تواند در ایجاد انگیزه‌های تحصیلی نقش داشته باشد. پیامهایی که دانش‌آموز از طریق این رسانه‌ها دریافت می‌کند در طرز فکر، رفتار و حرکات او مؤثر خواهد بود. این رسانه‌ها می‌توانند با آگاه ساختن دانش‌آموزان از نیازهای جامعه، انگیزه‌های متناسبی را در آنان به وجود آورند. اجرای برنامه‌های مختلف آموزشی، اجرای برنامه‌های مختلف آموزشی، بالا بردن سطح آگاهی و معلومات عمومی دانش‌آموزان و نشان دادن فیلم‌های آموزنده می‌تواند در این راستا مؤثر باشد. باید توجه داشت که پیام وسیله ارتباطی در مجموعه‌ای جای می‌گیرد که محیط اجتماعی خرد خواننده می‌شود. بنابراین چنانکه پیام صادر شده با محیط پیرامون خود تجانس نداشته باشد، امکان دفع آن بیشتر خواهد بود (ساروخانی، ۱۳۷۱: ۶۸).

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر پرسش‌هایی طراحی شد که پاسخ مخاطبان را چنین می‌توان دسته بندی کرد:

• در پاسخ به سوال «قابل فهم نبودن برخی مطالب کتاب درسی برای دانش آموزان» ۳۶/۷٪ پاسخ کم، ۴۵/۵۸٪ پاسخ متوسط، ۱۳/۲۳٪ پاسخ زیاد و ۴/۴٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۲۶ است.

• در پاسخ به سوال «بی‌ارتباط بودن بعضی از درس‌های ادبیات فارسی با زندگی» ۳۹/۷٪ پاسخ کم، ۳۵/۳٪ پاسخ متوسط، ۲۰/۵۸٪ پاسخ زیاد و ۴/۴٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۲۹ است.

• در پاسخ به سوال ضعف تالیف کتاب‌های درسی بر اساس هدف‌های آموزشی پیش بینی شده، ۲۵٪ پاسخ کم، ۳۰/۸۸٪ پاسخ متوسط، ۲۹/۴۱٪ پاسخ زیاد و ۱/۴۷٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۲۳ است.

• در پاسخ به سوال «تنوع موضوعات تدریس و گوناگونی نکات دستوری کتاب» ۱۶/۱۷٪ پاسخ کم، ۴۸/۵۳٪ پاسخ متوسط، ۲۷/۹۴٪ پاسخ زیاد و ۷/۳۵٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۵۴ است.

• در پاسخ به سوال «سهل و ممتنع بودن درس ادبیات فارسی» ۳۵/۲۹٪ پاسخ کم، ۴۲/۶۵٪ پاسخ متوسط، ۱۹/۱۲٪ پاسخ زیاد و ۲/۹۴٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۲۹ است.

• در پاسخ به سوال «کافی نبودن ساعات اختصاص یافته به این درس» ۲۲/۰۶٪ پاسخ کم، ۲۵٪ پاسخ متوسط، ۳۰/۸۸٪ پاسخ زیاد و ۲۲/۰۶٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۷۲ است.

• در پاسخ به سوال «عدم اهمیت به درس ادبیات فارسی در جامعه» ۱۰/۲۹٪ پاسخ کم، ۲۲/۰۶٪ پاسخ متوسط، ۳۰/۸۸٪ پاسخ زیاد و ۳۶/۷۶٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۲۰۰ است.

• در پاسخ به سوال «سرکوب شدن ذوق و استعداد ادبی دانش آموزان در خانه و مدرسه» ۱۶/۱۷٪ پاسخ کم، ۲۲/۰۶٪ پاسخ متوسط، ۳۲/۳۵٪ پاسخ زیاد و ۲۹/۴۱٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۷ است.

• در پاسخ به سوال «کم توجهی به ادبیات فارسی در رسانه ملی» ۲/۹۴٪ پاسخ کم، ۱۳/۲۳٪ پاسخ متوسط، ۴۷/۰۶٪ پاسخ زیاد و ۳۶/۷۶٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۲۱۶ است.

- در پاسخ به سوال «عدم کافی بودن نیروی انسانی متخصص جهت رفع مشکلات آموزشی معلمان» ۱۴/۷٪ پاسخ کم، ۳۰/۸۸٪ پاسخ متوسط، ۲۳/۵۳٪ پاسخ زیاد و ۳۰/۸۸٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۴ است.
- در پاسخ به سوال «عدم بهره‌گیری معلمان از افراد متخصص برای حل مشکلات آموزشی کتاب» ۸/۸۲٪ پاسخ کم، ۳۵/۲۹٪ پاسخ متوسط، ۳۲/۳۵٪ پاسخ زیاد و ۲۳/۵۳٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۴ است.
- در پاسخ به سوال «نبودن انگیزه کافی و ذوق ادبی در بعضی از معلمان» ۱۷/۶۴٪ پاسخ کم، ۲۳/۵۳٪ پاسخ متوسط، ۴۱/۱۷٪ پاسخ زیاد و ۱۷/۶۵٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۷۶ است.
- در پاسخ به سوال «کیفی بودن نمرات در دوره ابتدایی و کمی شدن آن در کلاس ششم» ۱۱/۷۶٪ پاسخ کم، ۱۰/۲۹٪ پاسخ متوسط، ۱۷/۶۵٪ پاسخ زیاد و ۶۰/۲۹٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۲۲۲ است.
- در پاسخ به سوال «آشنا نبودن معلمان به روشهای نوین و فعال تدریس» ۲۳/۵۳٪ پاسخ کم، ۲۹/۴۱٪ پاسخ متوسط، ۳۲/۳۵٪ پاسخ زیاد و ۱۴/۷۰٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۶۲ است.
- در پاسخ به سوال «وجود گویشهای مختلف در مدارس شهرستان» ۳۳/۸۲٪ پاسخ کم، ۲۲/۰۶٪ پاسخ متوسط، ۲۵٪ پاسخ زیاد و ۱۹/۱۲٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۵۶ است.
- در پاسخ به سوال «عدم آگاهی دبیران متوسطه از آموخته‌های دانش آموزان در دوره ابتدایی» ۱۰/۲۹٪ پاسخ کم، ۳۸/۲۳٪ پاسخ متوسط، ۲۹/۴۱٪ پاسخ زیاد و ۲۲/۰۶٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۷۹ است.
- در پاسخ به سوال «عدم جذابیت کلاسهای درس ادبیات فارسی» ۱۴/۰۷٪ پاسخ کم، ۲۷/۹۴٪ پاسخ متوسط، ۳۹/۷٪ پاسخ زیاد و ۱۷/۶۴٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۷۷ است.
- در پاسخ به سوال «عدم طرح فعالیتهای متناسب با اهداف یادگیری توسط دبیران» ۱۴/۷٪ پاسخ کم، ۳۶/۷۶٪ پاسخ متوسط، ۲۹/۴۱٪ پاسخ زیاد و ۱۹/۱۱٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۷۲ است.
- در پاسخ به سوال «مشارکت ندادن دانش آموزان در امر تدریس» ۳۰/۸۸٪ پاسخ کم، ۳۹/۷٪ پاسخ متوسط، ۱۹/۱۲٪ پاسخ زیاد و ۱۰/۲۹٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۴۲ است.

- در پاسخ به سوال «عدم تسلط بعضی دبیران در تفهیم و تسهیل درس ادبیات فارسی» ۱۷/۶۵٪ پاسخ کم، ۲۹/۴۱٪ پاسخ متوسط، ۳۲/۳۵٪ پاسخ زیاد و ۲۰/۵۹٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۷۴ است.
- در پاسخ به سوال «عدم تسلط بعضی از آموزگاران پایه ششم در تفهیم و تسهیل درس ادبیات فارسی» ۱۱/۷۶٪ پاسخ کم، ۲۲/۰۶٪ پاسخ متوسط، ۴۲/۶۵٪ پاسخ زیاد و ۳۸/۲۳٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۲۲۹ است.
- در پاسخ به سوال «تخصصی نبودن آموزگاران در دوره ابتدایی» ۱۳/۲۳٪ پاسخ کم، ۱۶/۱۷٪ پاسخ متوسط، ۲۵٪ پاسخ زیاد و ۴۵/۵۹٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۲۰۶ است.
- در پاسخ به سوال «آموزش کسالت بار ادبیات فارسی در آموزش ابتدایی» ۱۴/۰۷٪ پاسخ کم، ۲۲/۰۶٪ پاسخ متوسط، ۳۶/۷۶٪ پاسخ زیاد و ۲۶/۴۷٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۷ است.
- در پاسخ به سوال «عدم آگاهی آموزگاران از اهداف درس ادبیات فارسی» ۱۶/۱۷٪ پاسخ کم، ۲۳/۵۳٪ پاسخ متوسط، ۳۸/۲۳٪ پاسخ زیاد و ۲۲/۰۶٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۱ است.
- در پاسخ به «سوال عدم ایجاد انگیزه در دانش آموزان توسط معلمان و اولیا» ۱۳/۲۳٪ پاسخ کم، ۲۵٪ پاسخ متوسط، ۳۸/۲۳٪ پاسخ زیاد و ۲۳/۵۳٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۵ است.
- در پاسخ به سوال «عدم رغبت دانش آموزان به درس ادبیات فارسی به علت ندانستن چگونگی روش خواندن» ۵/۸۸٪ پاسخ کم، ۲۵٪ پاسخ متوسط، ۳۳/۸۲٪ پاسخ زیاد و ۲۹/۳۵٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۲۰۳ است.
- در پاسخ به سوال «عدم آگاهی اولیاء از میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان در درس ادبیات فارسی» ۱۳/۲۳٪ پاسخ کم، ۲۷/۹۴٪ پاسخ متوسط، ۳۶/۷۶٪ پاسخ زیاد و ۲۲/۰۶٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۸۲ است.
- در پاسخ به سوال «عدم توجه اولیاء به درس ادبیات فارسی» ۲۹/۲۹٪ پاسخ کم، ۲۶/۴۷٪ پاسخ متوسط، ۳۵/۲۹٪ پاسخ زیاد و ۲۷/۹۴٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۹۱ است.
- در پاسخ به سوال «عدم توجه کافی مسئولان اجرایی مدرسه به درس ادبیات فارسی» ۱۴/۰۷٪ پاسخ کم، ۴۱/۱۷٪ پاسخ متوسط، ۲۹/۴۱٪ پاسخ زیاد و ۱۴/۷٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۶۶ است.

- در پاسخ به سوال «عدم برنامه ریزی مناسب مسئولان اجرایی مدرسه در برگزاری امتحان ادبیات» ۲۹/۴۱٪ پاسخ کم، ۲۳/۵۳٪ پاسخ متوسط، ۳۲/۳۵٪ پاسخ زیاد و ۱۴/۷٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۵۸ است.
- در پاسخ به سوال «عدم آگاهی اولیا از اهمیت درس ادبیات در زندگی» ۷/۳۵٪ پاسخ کم، ۲۷/۹۴٪ پاسخ متوسط، ۳۶/۷۶٪ پاسخ زیاد و ۲۷/۹۴٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۹۴ است.
- در پاسخ به سوال «عدم وجود مشاور تحصیلی در مدارس» ۱۷/۶۴٪ پاسخ کم، ۱۶/۱۷٪ پاسخ متوسط، ۲۷/۹۴٪ پاسخ زیاد و ۳۸/۲۳٪ پاسخ خیلی زیاد داده‌اند. امتیاز محاسبه شده برای این سوال برابر ۱۹۵ است.

نتیجه گیری

پس از محاسبه امتیازات ۳۲ سوال موجود در پرسشنامه، ۹ مورد امتیاز بالای ۱۹۰ را کسب کردند. در نتیجه مواردی را که بتوان به عنوان موثرترین عوامل ضعف دانش آموزان در درس ادبیات فارسی پایه هفتم شهرستان یزد نام برد عبارتند از: عدم تسلط بعضی از آموزگاران پایه ششم در تفهیم و تسهیل درس ادبیات فارسی (۲۲۹)، کیفی بودن نمرات در دوره ابتدایی و کمی شدن آن در کلاس هفتم (۲۲۲)، کم توجهی به ادبیات فارسی در رسانه ملی (۲۱۶)، تخصصی نبودن آموزگاران در دوره ابتدایی (۲۰۶)، عدم رغبت دانش آموزان به درس ادبیات فارسی به علت ندانستن چگونگی روش خواندن (۲۰۳)، عدم اهمیت به درس ادبیات فارسی در جامعه (۲۰۰)، عدم وجود مشاور تحصیلی در مدارس (۱۹۵)، عدم آگاهی اولیا از اهمیت درس ادبیات در زندگی (۱۹۴) و عدم توجه اولیاء به درس ادبیات فارسی (۱۹۱).

منابع و مأخذ

۱. امین، احمد، میرزایا، منصور، (۱۳۸۷)، «بررسی پیوستگی و هدفمندی کتاب‌های درسی فارسی و متون دوره راهنمایی و دبیرستان‌های ایران»، کنگره علوم انسانی.
۲. تاکی، مسعود و دیگران، (۱۳۸۵)، ادبیات فارسی (۱) اول دبیرستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، چاپ دهم.
۳. ثروت، منصور، (۱۳۷۵)، ماهنامه ادبیات معاصر، سال اول شماره ۱.
۴. خوشرو، وحید، (۱۳۷۵)، شناسایی تاثیر دو زانه بودن بر پیشرفت تحصیلی قابل ارزیابی از <http://www.preschool,talif.ir>
۵. رضانی، خسرو؛ (۱۳۷۹)، روان‌شناسی تربیتی، یاسوج، فاطمیه، چاپ اول.
۶. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۱) جامعه‌شناسی ارتباطات، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، تهران.
۷. ساتراک، جان؛ (۱۳۸۵)، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه مرتضی امیدیان، چاپ اول یزد، دانشگاه یزد.
۸. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۵۸، سال پانزدهم.
۹. سیف، علی اکبر (۱۳۸۶)، روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات آگاه.
۱۰. عطاران، محمد، (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت، تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی آفتاب مهر.
۱۱. فتحی و اجارگاه، کوروش، (۱۳۷۷)، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات ایران زمین.
۱۲. فرزاد عبدالحسین، (۱۳۷۵)، «اندکی درباره ادبیات»، ماهنامه ادبیات معاصر، سال اول، شماره ۵ و ۶.
۱۳. گودرزی، رضا (۱۳۹۴)، «انگیزش تحصیلی؛ انگیزه تحصیلی و راهکارهای افزایش انگیزه در دانش آموزان»، فصل‌نامه رشد آموزش مشاور آموزش، شماره ۴۲.
۱۴. مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۱)، علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن، جمعی از نویسندگان زیر نظر علمی‌کاردان، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. هاشمی‌نسب، حمید، (۱۳۸۶)، مقایسه توانایی‌های معنی‌شناختی دانش آموزان تک‌زبانه و دو‌زبانه در پایه‌های دوم و پنجم دبستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده توانبخشی علوم پزشکی ایران، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی